

ریشه ها و ابعاد ناتوی فرهنگی و دیدگاه رهبری نسبت به آن در گام دوم انقلاب

مهدی کشاورز^۶

فصلنامه مدیریت فرهنگی مطهر، سال هجدهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۰

چکیده

ناتوی فرهنگی به سلسله اقدامات نرم‌افزاری اطلاق می‌گردد که به کمک سخت‌افزارهایی چون رسانه‌ها و ... برای سلطه بر فرهنگ جهانی بکار گرفته می‌شود. در واقع جهان غرب می‌کوشد تا با تکیه بر قدرت نظامی خود (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) به سلطه و سیطره فرهنگی نیز دست یابد تا اولاً جلوی فرهنگ‌های اصیل را بگیرد و ثانیاً فرهنگ غرب را به عنوان فرهنگ غالب جهانی مطرح کند. نگارندگان در این مقاله تلاش می‌کنند تا ناتوی فرهنگی را بصورت علمی تبیین و با استمداد از بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به تشریح ابعاد و ویژگی‌های آن بپردازند. در ادامه راه‌های مقابله با این پدیده شوم مورد توجه مقاله حاضر قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ناتو، فرهنگ، ناتوی فرهنگی، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، تهاجم فرهنگی.

^۶ کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در ادبیات ملل مختلف، اسطوره هایی دیده می شوند که هریک در عصر خود به نحوی از انحاء سرآمد بوده اند، ولی همه آنها یک نقطه ضعف داشته اند که آخر الامر همان سبب سقوط و نابودی آنان گردیده است که امروزه، آن نقطه حساس برای بافت اسلامی و مردمی کشور ما می تواند فرهنگ باشد همانگونه که یکی از مسئولان طراز اول کشور صهیونیستی غاصب، در سال ۸۶ توصیه ای به آمریکایی ها کرد. توصیه وی به آمریکایی ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق، کره شمالی و کشورهای از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آنجاست، اما ایران مثل عراق، کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها کنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی، فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین، فرهنگ، سنت و تاریخشان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون این که سرمایه ای صرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید.

این در حالی است که مقام معظم رهبری در تاریخ هشتم مردادماه سال ۷۲ فرمودند: این مسأله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم می آورم و حقیقتاً، قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دوی آنها برای شما قابل توجه است. یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می گرفته و در دوران اسلامی قطع شد.

شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی، به ارزش های آن و ملت ایران از طریق فرهنگ، با نوشتن، با تهیه فیلم ها، نمایشنامه ها، تنظیم کتاب ها یا فصلنامه ها، که این کار در زمان حال در کشور ما با هدایت بیگانگان انجام می گیرد. (چیستی ناتوی فرهنگی و اهداف دشمنان، دیدار آشنا، ۱۳۸۵، شماره ۷۷) درگذشته چنین مرسوم بود که قدرت های بزرگ برای تسلط بر سایرکشورها به لشکرکشی و تحکم نظامی مبادرت می کردند، ولی امروزه به جای صرف وقت و هزینه های گزاف، برای رسیدن به اهداف شوم خود، از طریق کنترل اهرم های کلیدی اقدام می کنند.

یکی از کلیدی ترین اهرم ها که همواره مدنظر ابر قدرت ها از جمله غرب قرار گرفته است، فرهنگ می باشد. فرهنگ شاید به عنوان بی صدا و آرام ترین ابزار تهاجم آثارش چه بسا مخربتر از هزاران بمب، موشک و گلوله است. به خصوص در مورد جمهوری اسلامی ایران که توسط دشمنان، تمام روش ها مورد آزمایش قرار گرفته و نتیجه ای عایدشان نگردیده است، به تهاجم فرهنگی، به عنوان آخرین و قوی ترین حربه امید بسته اند.

بنابراین اینگونه می توان نتیجه گرفت برای تامین «امنیت ملی» که شامل ایجاد و بهره برداری از «فرصت ها»^۷، مقابله با «تهدیدات»^۸ و رفع آسیب پذیری های مختلف در عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می باشد، می توان با استفاده از ابزارها و روش های متنوع این کار صورت پذیرد. در این رابطه، سیستم ها و ابزارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جمله مهم ترین ابزارهایی هستند که معمولاً در برنامه ریزی های دولتمردان مورد توجه قرار می گیرند. بهره گیری از این ابزارها متضمن صرف وقت و انرژی فراوانی است. بنابراین هم کشورهای ضعیف و هم قدرت های برتر، به دنبال روش ها و ابزارهایی هستند که بتوانند با حداقل ریسک (ضرر مادی و معنوی) به بیشترین منافع در عرصه های گوناگون دست یابند. (ابراهیمی خوسفی، منصور، ۱۳۸۷: ص ۵)

پیشینه ناتوی فرهنگی

بعد از جنگ جهانی اول که با شکست آلمان و حامیانش در سال ۱۹۱۸م پایان گرفت، جامعه ملل تأسیس گردید. جامعه ملل به عنوان اولین سازمان بین المللی مأموریتی عام و گسترده در جهت حفظ صلح، امنیت بین المللی و تمدن جهانی به عهده گرفت و در مدت زمانی که پا برجا بود دورنمای باشکوه و بی سابقه ای از جامعه مشترکی که روح بین الملل در آن دمیده شده بود به جهانیان عرضه کرد و آنها را به طور اختیاری به اصول حقوق ملل پایبند نمود لکن متأسفانه به موازات این اقدامات و تحرک ائتلافی جامعه بین الملل، در جهت معکوس نیز جنبشی برای متلاشی نمودن این جامعه به وجود آمد و کوشش های انجام شده را دچار مخاطره نمود و خلاصه آنکه زمینه ها و بسترهایی ایجاد شد و جامعه ملل نتوانست در جهت اهدافش که صلح و امنیت بود موفق عمل نماید تا این که جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ م آغاز گردید که در نهایت منجر به شکست آلمان و حامیانش گردید، بنابراین از سال ۱۹۴۴م یعنی قبل از پیروزی قطعی «متفقین» ملل متحد به فکر تأسیس جامعه ملل جدیدی افتادند که بهتر و محکم تر از سابق پی ریزی شده باشد به همین جهت در سال ۱۹۴۵م در کنفرانس سان فرانسیسکو اساسنامه سازمان جدید با عنوان سازمان ملل متحد به تصویب اکثریت کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رسید، ضمن آنکه صلاحیت و شخصیت حقوقی بین المللی سازمان ملل متحد در مقررات «منشور ملل متحد» و تعداد زیادی از قراردادهای بین المللی مندرج است. اما سازمان ملل متحد هرچند امروزه به عنوان مهمترین و بزرگ ترین سازمان بین المللی دنیا محسوب می شود، لیکن آنچنان که شایسته و بایسته است نتوانست در صلح و امنیت بین المللی تأثیرگذار باشد به همین خاطر به علت ضعف و عجز سازمان های بین المللی (جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول و سازمان های ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم) در حل مسائل بین المللی، سازمان های قاره ای یا منطقه ای تأسیس گردید تا بتوانند در چارچوب محدودتری امنیت دسته جمعی، همکاری های سیاسی و اقتصادی مؤثرتری را برقرار نمایند

^۷ - Opportunity

^۸ - Threats

جمله سازمان های منطقه ای، سازمان های اروپایی و منطقه آتلانتیک می باشد که از جمله ی آنها سازمان آتلانتیک شمالی(ناتو) می باشد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلوک شرق، دیگر امکان تعریف دفاعی از ناتو وجود نداشت. چرا که حتی لهستان که اتحادیه ورشو برگرفته از نام پایتخت آن بود، از نخستین کشورهایی بود که درخواست همکاری با ناتو و عضویت در اتحادیه اروپایی را تقدیم نمود.

از طرفی آمریکا و طرف های غربی پیروز جنگ سرد، به روال قدرت های پیشین، جهت جلوگیری از شکل گیری قدرت های رقیب در آینده سیاست گسترش به شرق را در پیش گرفتند. برای این منظور به دو بال اقتصادی و سیاسی غرب یعنی اتحادیه اروپایی و ناتو ماموریت تازه ای داده شد. اما اتحادیه اروپایی با ناتو یک تفاوت ماهوی دارد و آن اینکه کشورهایی که به سختی به عضویت اتحادیه در می آمدند، به واسطه مشکلات اقتصادی متعدد، بیشتر از این اتحادیه بهره برداری کرده و به رفع مشکلات اقتصادی خود می پرداختند، اما ناتو به راحتی و تنها با اعطای یکسری امتیازات کلی، قلمرو خود را گسترش می داد. بنابراین گسترش «ناتو محور» با سرعت بیشتری شکل گرفت. طرح «مشارکت برای صلح» ناتو منجر به انعقاد توافقنامه هایی از شرق اروپا تا شرق آسیا گردید. به عنوان نمونه، کل کشورهای همسایه ایران از قفقاز و آسیای مرکزی تا شورای همکاری خلیج فارس و حتی روسیه، طرح فوق را امضاء کردند و رزمایش های نظامی مشترک در دستور کار قرار گرفت.

اما در شرایط تسلیم بلوک شرق، ناتو نمی توانست تنها رویکرد نظامی داشته باشد. لذا در سلسله جلسات ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، اساسنامه ناتو با یکسری اصلاحات سیاسی و فرهنگی تغییر یافت. از لحاظ نظامی «دفاع» جای خود را به امکان اساسنامه «مداخله نظامی» برای حل بحران ها داد و در مواردی همچون کوزوو، عراق و افغانستان سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ م و تحولات اخیر، آمریکایی ها آن کار ویژه را در قالب شاخص های «مداخله پیش دستانه» تعریف کردند.

از طرفی بیانیه های حقوق بشری و مداخلات بشردوستانه و صدور کالاهای فرهنگی نیز در دستور کار قرار گرفت و کمیته فرهنگی سازمان سیا که بعد از جنگ سرد دچار رکود شده بود، اکنون دامنه کار خود را به حوزه صرفا نظامی ناتو نیز گسترش داد. این کمیته در دوران جنگ سرد، فرماندهی جنگ سرد فرهنگی را برعهده داشت. شماری از نویسندگان و هنرمندان مشهور غرب آگاهانه یا ناخودآگاه با بودجه سیا بلوک شرق را نشانه گرفته بودند و اکنون نیز کار بر روی روشنفکران در دستور کار قرار گرفته است.

ناتوی جدید بعد از جولان نظامی در منطقه بحرانی خاورمیانه، از فقر مردم، بی ثباتی کشورها و تطمیع قدرت سیاستمداران حداکثر استفاده را می برد. سه عامل فوق الگوهای سیاسی- دینی دنیای اسلام را نشانه رفته است. جالب اینکه بهانه باز شدن پای ناتو به خاورمیانه الگوهای فاسدی چون بعث و طالبان بودند که با هدف افساد الگوی حکومت اسلامی با ایفای نقش افسران اطلاعاتی سیا شکل گرفته بودند.

در افغانستان که حاکمیت اشغال آن برعهده ناتو است، رواج کالاهای فرهنگی مستهجن، مصرف و صدور کالاهای تخدیر و فساد جوانان در تاریخ این کشور بی سابقه است. شبکه های ماهواره ای، رادیویی و

مطبوعات که ارزش های مورد نظر مهاجمان را بپذیرند از حمایت مالی برخوردار می شوند و جالب اینکه رسماً از برخی کشورهای اسلامی خواسته می شود که بخش های انقلابی و آزادی بخش ادبیات درسی و سیاسی خود را تعدیل نمایند. این روند، در استراتژی جنگ تمدن ها، «تحمیل اقتدارآمیز ارزش های غربی» نام گرفته است.

در نتیجه برخلاف «ناتو»ی نظامی، «ناتو»ی فرهنگی، تهاجمی، مداخله گر، خزنده و توأم با استراتژی های تفرقه انداز بوده و میدان عمل آن «فرهنگی» است. البته به میزان شکست استراتژی تهاجمی کلی غرب در خاورمیانه، ظرفیت های تاثیرگذاری فرهنگی آن در این منطقه اسلامی کم رنگ می شود. در آنجا که به رفتارهای مردمی مربوط است، دنیای اسلام با خیزش متفاوتی خلاف انتظار جهان غرب مواجه است. روز به روز بخش های مختلفی از این منطقه از قلمرو استراتژیک غرب خارج می شود و ارزش های تحمیل شده غربی به خاطر استانداردهای دوگانه رفتاری آن، نفوذ خود را از دست می دهند. البته هنوز شماری از سیاستمداران دنیای اسلام حاملان اصلی آن ارزش ها هستند، اما هر جا مجالی برای مردم فراهم شده، شرایط متفاوتی شکل گرفته است و در واقع به همین دلیل در قلمرو فرهنگی «ناتو»، آزادی سیاسی مورد تنانی قرار گرفته است. (اقتباس از: ناتوی فرهنگی، رسالت، ۱۳۸۵/۹/۸)

نرم افزار فرهنگ چیست؟

واژه ی «فرهنگ» از واژگان پرمصرفی است که تعاریف بسیار دارد؛ بعضی از این تعاریف عبارتند از: فرهنگ مجموعه ای از آداب و رسوم، میراث فرهنگی و دینی، باورها و ارزش هاست (یونسکو، ۱۹۹۴) - فرهنگ معرف تمام ویژگی های فکری، معنوی و عاطفی است که یک جامعه یا گروه را از دیگران متمایز می سازد. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات بلکه شیوه ی زندگی، نظام های ارزشی، سنت ها و باورها را نیز شامل می شود.

- فرهنگ همان «فرایند برنامه ریزی جمعی ذهن هاست.» این تعریف متمایز، از آن گیرت هافستد است که فرهنگ را به مثابه ی «فرآیند» و نه «نتیجه» یا «محصول» می بیند؛ فرآیندی که طی آن، اعضای یک جامعه یا گروه به ذهنیت و دیدگاه های مشترکی دست می یابند. وی این تعریف را براساس مطالعه ی فرایندهای مغزشویی در اردوگاه های نظامی پیشنهاد کرده است و به نظر می رسد که آمریکایی ها در جنگ های فرهنگی بر پایه ی این تعریف عمل می کنند تا مغز نیروها و شهروندان دشمن را شستشو دهند. این تعریف در ناتوی فرهنگی هم کاربرد اساسی دارد و هم زیرتعریفی غربی و مبنای عمل آمریکائی ها و ناتو در جنگ هاست.

بنابراین ویژگی های فرهنگ عبارت است از:

۱. فرهنگ، یک امر معنوی است. مانند روحی است که در رفتارها، نگرش ها، برخوردها و سایر شئون

افراد جامعه، دمیده می شود؛

۲. فرهنگ، امری اجتماعی است. نمی‌توان فرهنگ را به یک فرد نسبت داد. مضافاً، لفظ «فرهنگ» همواره معرف یک گروه، قشر، قوم و... بوده است؛
۳. فرهنگ امری سیال است. قابلیت رشد و ارتقاء یا انحطاط و ابتذال را دارد؛
۴. مفهوم «فرهنگ» به خودی خود، بار ارزشی ندارد؛
۵. «فرهنگ» امری مقطعی و خلق‌الساعه نیست. ضمن این که تغییرپذیر است ولی جنبه‌ی موروثی آن، بسیار بارز و قوی است؛
۶. فرهنگ، پایدارترین وجه جامعه است و بنابراین تغییرات آن کند است و هرگز شبه فرهنگ جامعه تغییر نمی‌کند؛
۷. «فرهنگ»، امری «تحقق یافته» است. فرهنگ یک جامعه، ناظر به کیفیت موجود در آن جامعه می‌باشد؛
۸. فرهنگ در عین اینکه امری واحد است، مرکب و مؤلف از عناصری است که هر کدام می‌تواند ارزش‌گذاری شده و مثبت یا منفی تلقی گردد. آنچه به عنوان فرهنگ نامیده می‌شود، برآیندی از این جهات می‌باشد.

اهداف و کارآمدی روش‌های فرهنگی

برای ایجاد سازمان موثر در یک نظام اثربخش، توجه به سه عنصر اصلی یعنی «شناخت هدف»، «برنامه ریزی موثر» و «شناخت مخاطبان»، راه را هموار و رسیدن به کمال مطلوب را تسریع می‌نماید. (رضوی، یوسف، ۱۳۸۰، ص ۱۹)

در هر سازمان «افراد موثر» از میان تمام عناصر تاثیرگذار، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. افراد موثر، محور و نقطه ثقل همه عوامل پیرامونی آن محسوب می‌شوند. بدون توجه به این اصل، شناخت درست مولفه‌های اساسی و تبدیل آن به نظامی پایدار و مبتنی بر اصول متقن علمی و دست‌یابی به اهداف از پیش تعیین شده غیرممکن خواهد بود.

از سوی دیگر برنامه‌های موثر نیز می‌تواند در تثبیت و اعتلای جایگاه سازمان، عینیت بخشیدن به فعالیت‌ها و در نهایت توسعه متوازن نیروی انسانی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید.

برنامه‌های فرهنگی از میان تمامی طرح‌ها و برنامه‌های متنوع و متعدد، توانسته است مورد اقبال علاقه‌مندان و قاطبه کارگزاران و دست‌اندرکاران امر در حوزه‌های مختلف قرار گیرد.

بنابراین اهدافی روش‌های فرهنگی عبارتست از:

- ۱- ارتقای سطح بینش و آگاهی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی؛
- ۲- پرورش روحیه تحقیق، تعقل، تفکر و بررسی، تعمق، نقد، ابتکار و خلاقیت؛
- ۳- تقویت ایمان، معرفت دینی، و ترویج فرهنگ معروف دینی؛
- ۴- ایجاد رقابت سالم و غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و مردم؛
- ۵- پرورش روحیه احترام به قانون، التزام به رعایت آن و نظم در روابط فردی و اجتماعی؛

۶- پرورش روحیه مشارکت جویی، مسئولیت پذیری، تعامل و همدلی در زمینه های اجتماعی، فرهنگی و ملی.

۷- توسعه و تقویت زمینه های بهبود تصمیم سازی و اجرا در نظارت اجتماعی؛

۸- تقویت «انگیزه و احساس مسئولیت» از طریق ایجاد تنوع و تحرک بیشتر در برنامه ها.
(یعقوبی، جعفر، جلد دوم، ص ۳۲)

چیستی ناتوی فرهنگی

ماهیت فرهنگی ناتو بر خلاف آنچه تصور می شود جدا و متفاوت از ناتو با رویکرد نظامی نیست . امروز ماهیت فرهنگی ناتو صورتی تکامل یافته و رشد داده شده و در حقیقت یک مرحله بلوغ از همان ناتوی سابق است که البته این بار جنبه میلیتاریستی ، جزء کوچک و در حقیقت بخش خردی از حرکت کلان نظام سلطه برای تضمین " آینده برای خود " است.

ارگان نظامی ناتو ، با ابزار ناتوی فرهنگی ، مثل رسانه ، به عنوان یک سرباز نگاه می کند و مدیریت ناتوی فرهنگی در سطح کلان به کل ارگان نظامی به عنوان یک لشکر از نیروی نبرد خود می نگرد. در حقیقت میدان نبرد امپریالیسم بر علیه نیروی مقاوم در مقابل سلطه نظام استعمار جهانی ، آن چنان گسترده شده که جنبه نظامی در آن به این سو و آن سو می غلتد ، و گهگاه در گوشه و کنار آتش جنگ بپا می کند ، اما در این میدان نبرد سربازان متعدد فرهنگی با پشتیبانی مسایل اقتصادی در کنار سربازان نظامی به نبرد با اندیشه مقاوم در مقابل نظام سلطه مشغولند . بدین ترتیب می توان ماهیت نظام سلطه را در میدان نبرد برای تضمین " آینده برای خود " متشکل از اجزائی به شرح زیر دانست :

الف : وجه غالب ، که ماهیتی ضد فرهنگی دارد و اساس آن بر تخریب پایه ها، بنیان فرهنگی و ایدئولوژی کشورهای مقاوم در مقابل نظام سلطه بنا شد. این بخش به کمک ابزار متعددی محقق می شود که مهمترین آنها تخریب روند بیداری جهان اسلام ، دامن زدن به اختلاف شیعه و سنی، ترویج فساد و ابتذال اخلاقی ، تبلیغ و ترویج عرفان های انحرافی و مسلک های منحط و استعمار ساخته و تخریب باورهای دینی می باشد.

ب : وجه مقوم ، که ماهیتی اقتصادی دارد . نظام امپریالیستی از دیرباز با تأکید بر جنبه های اقتصادی سعی در تثبیت سلطه خود داشته ، این جنبه از میدان نبرد غالبا به دو گونه عمل می شده ، گونه اول نفس چپاول و غارت ثروت ملل است و گونه دوم نوعی وابستگی، تضعیف و مانع شدن از رشد اقتصادی کشورهای تحت سلطه است ، اما امروز در میدان نبرد ناتوی فرهنگی مسائل اقتصادی همچون تحریم ها حکم مقوم و کاتالیزور برای تسهیل هجمه های فرهنگی و تخریب ایدئولوژی ها را دارد. نظام سلطه به خوبی می داند که ملتی که در بحران اقتصادی و فقر مادی دچار است زودتر به مهلکه فقر فرهنگی وارد می شود و تنها در این شرایط است که ارزش های غربی و فرهنگ لیبرالی جواب می دهد والا جایی که فرهنگ ناب اسلامی رواج دارد ارزش های لیبرالی ، ضد ارزش محسوب می گردد .

ج: وجه زمینه ساز، که ماهیتی نظامی و میلیتاریستی دارد و به عنوان آماده سازی جنبه های دیگر در میدان نبرد ناتوی فرهنگی عمل می کند. نظام سلطه جهانی جنگ نظامی به راه می اندازد تا بتواند برنامه اصلی خود که تخریب فرهنگ به کمک مقوم های اقتصادی است را عملی کند، که نمونه های آن در جنگ ۳۳ روزه و نیز جنگ عراق و افغانستان عملیاتی شده است.

د: وجه مکمل، که ماهیت جنگ روانی دارد و به عنوان تسریع کننده برنامه های فرهنگی و اقتصادی و بعضاً نظامی عمل می کند، جنگ روانی غالباً در حوزه موضوعی خاص عملیاتی می شود مثلاً در ماه های گذشته مقوله انرژی هسته ای در جمهوری اسلامی ایران و دسترسی بومی به این فناوری در چارچوب عملیات روانی بازتاب داده شده و ایران به عنوان کشوری که قصد تولید بمب اتم و نابودی جهان را دارد، معرفی شد. (اقتباس از ناتوی فرهنگی چیست؟، www.siyasi.ir)

البته در گذشته هر یک از کشورهای غربی بنا به منافع ملی خود بر ما تهاجم فرهنگی داشته اند. اما در چند سال اخیر و پس از ناکامی آنها در اقدامات سیاسی، تبلیغی و نظامی علیه کشورهای اسلامی از جمله علیه جمهوری اسلامی ایران، غرب به دنبال تشکیل مجموعه فکری منسجم برآمد و آمریکا سعی می کند یکپارچه غرب را در مقابل جهان اسلام قرار دهد و می دهد، به عنوان مثال در ترسیم کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اعظم (ص) شاهد بودیم که غرب به سمت یک برنامه ریزی همه جانبه حرکت می کند.

ارکان تشکیل دهنده ی ناتو

کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا در پاسخ به سیاست اتحاد جماهیر شوروی، طرح پیمان دفاعی دائم را پی ریزی نمودند که موسوم به سازمان آتلانتیک شمالی^۹ می باشد، این پیمان دفاعی در آوریل ۱۹۴۹ م در واشنگتن برای مدت ۲۰ سال به امضای دوازده کشور آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند، نروژ، لوکزامبورگ، دانمارک، ایسلند، ایتالیا و پرتغال رسید و در سال های بعد یونان، ترکیه، آلمان فدرال، اسپانیا، لهستان، مجارستان و جمهوری چک به عضویت ناتو درآمدند، مدت این پیمان بدون محدودیت قابل تمدید می باشد، بنابراین تاکنون چند بار تمدید شده است. هدف اصلی از ناتو همکاری نظامی- سیاسی میان اعضاست به طوری که ماده ۵ این پیمان بیان می دارد: «اگر به یکی از کشورهای عضو، حمله مسلحانه شود هر یک از اعضاء دیگر برای یاری دادن به طرف یا طرف های مورد حمله بی درنگ منفرداً یا با موافقت سایر اعضاء، هر عملی را که مقتضی بداند از جمله به کار بردن نیروهای نظامی انجام می دهند تا امنیت را مجدداً برپا دارد.» و این پیمان مبتنی بر اصل دفاع مشروع یا دفاع از خود اعم از فردی یا جمعی مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است.

ارکان ناتو عبارتند از:

۱- شورای آتلانتیک شمالی (مرکب از نمایندگان کلیه کشورهای عضو)

^۹ North Atlantic Treaty Organization

۲- کمیته نظامی (مربک از رؤسای ستاد ارتش های کشورهای عضو) که تصمیمات این کمیته بوسیله یک گروه دائم که از رؤسای ستاد ارتش های ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه یا نمایندگان آنان ترکیب یافته است، اجرا می گردد.

۳- دبیرخانه که تحت نظر شورای آتلانتیک شمالی انجام وظیفه می کند و در رأس آن یک دبیرکل قرار دارد. (ناتوی فرهنگی و فرهنگ سازی جهانی، کیهان، ۱۳۸۶/۲/۲)

اما متأسفانه ناتو از قالب اصلی خود «خروج موضوعی» یافت و عملاً در جهت اهداف و سیاست های خودکامه غرب به فعالیت های خود ادامه داده و می دهد، به تعبیر مقام معظم رهبری «برای سرکوب هر صدای معارضی با خودشان در منطقه خاورمیانه، آسیا و غیره از آن استفاده می کنند.» (از بیانات مقام معظم رهبری در استان سمنان ۱۳۸۵)

تفاوت ناتوی فرهنگی و نظامی

۱- گستره و دوربرد ناتوی فرهنگی فراتر از مرزهای جغرافیایی - بلکه مرزهای فکر، اندیشه و فرهنگ ملت‌هاست - لکن دور برد ناتوی نظامی مرزهای جغرافیایی یک یا نهایتاً چند کشور است.

۲- استراتژی و رهیافت ناتوی فرهنگی قبضه کردن باورها، ایدئولوژی، جهان بینی ملت ها و فرهنگ هاست لکن استراتژی ناتو با رویکرد نظامی تصرف زمین، کسب منابع و مراکز مهم اقتصادی است.

۳- ویرانی ها، تلفات و خرابی ها در کارکرد نظامی و جنگ سخت، محسوس و ملموس است ضمن آنکه با هزینه کردن قابل بازسازی می باشد ولی در ناتوی فرهنگی ویرانی ها، تلفات و به تعبیر بهتر آسیب ها غیر محسوس است و لذا تخریب فکری و فرهنگی به آسانی قابل بازسازی نمی باشد.

۴- ناتوی فرهنگی جنگ نرم، بدون خاکریز و بدون سرو صداست لکن ناتو با رویکرد نظامی جنگ سخت و پرسر صداست.

۵- در تهاجم نظامی، افراد نظامی به جهت گذراندن آموزش ها و مهارت های دفاعی مقاوم و ورزیده هستند و تهاجم را پاسخ می دهند ولی در تهاجم فرهنگی اکثر افراد مورد تهاجم بی دفاع هستند و بنابراین بیشترین آسیب ها محقق می گردد.

۶- کارکرد ناتوی فرهنگی بلند مدت، پرجاذبه، پر بازده، کم دردسر و کم هزینه تر است ولی ناتو با رویکرد نظامی کوتاه مدت، خشک و سخت، کم بازده، پر دردسر و پر هزینه تر است.

۷- تلفات انسانی در جبهه نظامی مقدس، با ارزش و ماندنی است و بخصوص در فرهنگ دینی تحت عنوان شهادت از آن یاد می شود اما درعرصه فرهنگی، ذهن ها و اندیشه ها آسیب می بیند. (ناتوی فرهنگی و فرهنگ سازی جهانی، کیهان، ۱۳۸۶/۲/۲)

اهداف تشکیل ناتوی فرهنگی

فرهنگ هر ملت و کشوری دربرگیرنده باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، بایدها و نبایدهایی است که به عنوان زیربنای اصلی هویت هر کشوری محسوب می گردد بنابراین از جمله اهداف ناتوی فرهنگی به حاشیه راندن فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملت هاست تا با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی در

راستای فرهنگ سازی جهانی خواسته های خود را در تمام ابعاد تأمین کنند و عملاً اداره کشورها و به تعبیر صحیح تر اداره امور جهان را بدست بگیرند تا همه چیز بر وفق مراد آنها به پیش رود و هر عامل یا مانعی که در این مسیر باشد به انحاء مختلف و لطایف الحیل از سر راه بردارند به همین جهت چون اسلام ناب محمدی (ص) بزرگترین دشمن و مانع ایشان است سعی و تلاش مضاعفی در حذف اسلام سیاسی دارند و از دیگر سو پس از وابسته کردن اقتصاد کشورها- که در نتیجه فرهنگ وابسته می باشد- می کوشند به کسب ذخایر عظیم منابع نفتی و گازی بخصوص در منطقه خاورمیانه دسترسی نمایند تا مانع استقلال، رشد و پیشرفت کشورها گردند. بنابراین این اهداف را می توان به شرح ذیل دسته بندی نمود::

۱. مهم ترین هدف « ناتوی فرهنگی» غرب، ایجاد اختلاف و شکاف در جوامع اسلامی است. چون آنها احساس می کنند در مقابل تهدیدی که از سوی جهان اسلام وجود دارد، نیازمند تجمع ظرفیت های فرهنگی خود هستند؛

۲. به دست گرفتن سه رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها و ملت ها؛
۳. تأمین منافع سیاسی؛

۴. نابودی هویت ملی ملت های آزادی خواه جهان بویژه کشورهای اسلامی و تضعیف روحیه استقلال طلبی آن ها (تشکیل سازمان فرهنگی برای نابودی هویت ملی جوامع بشری)

۵. تقویت بیش از پیش صهیونیسم جهانی در سایه تضعیف قدرت مسلمانان و بویژه جمهوری اسلامی ایران؛

۶. ایجاد مذاهب ساختگی چون بهائیت در کشورهای اسلامی به منظور تفرقه افکنی میان امت های اسلامی؛

۷. انحراف فکری و اخلاقی جوانان از طریق واردات قرص های اکس، مشروبات الکلی، سی دی های مستهجن و...؛

۸. قدرت یافتن روزافزون نظام سرمایه داری غرب با استفاده از ابزارهای تحقیرآمیز علیه مسلمانان جهان؛ (اقتباس از: ناتوی فرهنگی، اهداف و ابعاد، خبرگزاری آینده ی روشن، ۱۳۸۶ و ناتوی فرهنگی،

(www.farhangi84.blogfa.com)

البته به موارد فوق می توان نکات و اهداف دیگری را هم افزود که به دلیل طولانی شدن کلام از ذکر آن ها پرهیز می شود.

راه های نفوذ مخفیانه ی ناتوی فرهنگی

- ۱- گسترش تولید و توزیع انواع مواد مخدر؛
- ۲- گسترش فحشاء و فساد اخلاقی به خصوص در بین جوانان؛
- ۳- ایجاد عملیات های روانی مختلف از طریق رسانه های خارجی و داخلی؛
- ۴- ایجاد منازعات مذهبی (سنی و شیعه)؛

۵- ایجاد منازعات قومی؛

۶- احاطه بر سیستم های انفورماتیک کشورهای در حال توسعه؛

و ... (ناتوی فرهنگی و راه های مقابله با آن، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۵)

ناتوی فرهنگی در ایران و نگاه موشکافانه ی رهبری به آن

نخستین نشانه های تهاجم فرهنگی پس از ارتحال حضرت امام خمینی (ره) پدیدار شد. دشمنان انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، به خوبی دریافته اند که برای فروپاشی این بنیان مرصوص، راهی جز نابودی پایه های فکری و اعتقادی آن وجود ندارد، همچنان که از تصریح بدان نیز هیچ ابایی نداشته و ندارند.

کشورهای غربی عنوان نموده اند که با جمهوری اسلامی، مبارزه سیاسی نخواهیم کرد، بلکه کار ما صرفاً فرهنگی و اصولاً استراتژی جدید ما مبارزه فرهنگی است. ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود. از این روی پس از جنگ تحمیلی به ساماندهی یک حرکت تهاجمی فرهنگی، علیه نظام اسلامی پرداختند. توجه دولت به بازسازی ویرانه های وسیع ناشی از جنگ تحمیلی و غفلت از مقوله فرهنگ دینی و اسلامی نیز، بستر مناسبی را برای این حرکت خطرناک فراهم کرد. تفکر تکنوکراتی و فن سالاری در این دوره، جایگزین تفکر مبتنی بر زهد، اخلاص، پارسایی، ایثار، پرکاری و کم توقعی گردید و لیبرالیسم فرهنگی نیز در سایه این غفلت مجدداً جان گرفت و حرکت خزنده خود را به سوی بنیان های فرهنگی و عقیدتی مردم آغاز کرد.

در چنین شرایطی رهبر فرزانه انقلاب، این دیدبان بصیر انقلاب، پس از مشاهده نشانه های اولیه این تهاجم، زنگ خطر را به صدا درآوردند و با هشدارهای مکرر خود به کارگزاران و مسئولین دولت وقت، آنان را متوجه این نقطه آسیب کردند.

توجه و اهمیت به این امر در دوران زعامت مقام رهبری نه تنها کم رنگ نشد، بلکه به جرات می توان ادعا کرد که مهمترین و کلیدی ترین مقوله ای است که رهبر فرزانه انقلاب طی سال های مسئولیت شان چه در دوران ریاست جمهوری و چه در سال های زعامت بر رهبری، مورد توجه و تذکر جدی قرار داده و پیکان توجه مقامات و اندیشمندان جامعه را به آن معطوف کرده اند. مقوله فرهنگ و بررسی آن از دو بعد ایجابی مثل مهندسی فرهنگی و سلبی یعنی تهاجم فرهنگی بوده و هست. به عنوان نمونه معظم له در سال ۶۳ و در زمان ریاست جمهوری طی دیداری که با علمای اهل سنت بندر ترکمن داشتند، با طرح این سوال که در مقابل این تهاجم فرهنگی چه کسی باید ایمان مردم را حفظ و مسلح کند؟ به وظایف اساسی علمای دین در راستای تربیت عالی دینی مطلع و آگاه با معلومات قانون قانع کننده و غنی اسلامی برای واکسینه کردن مسلمانان در برابر القای شبه دشمنان اشاره فرمودند. در سال ۱۳۶۹ فضلا و طلاب حوزه علمیه قم را به مقابله منطقی با مهاجمان فراخوانده و فرمودند: تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام با تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و... در حال انجام است. در اوایل دهه ۷۰ و در اوج فعالیت های رسانه ای و تبلیغاتی غرب علیه ایران اسلامی از تهاجم فرهنگی با تعبیر

شیخون فرهنگی و در طی چند سال اخیر هم از جنگ نرم فرهنگی و یا ناتوی فرهنگی دشمن خبر و هشدار دادند. (اقتباس از: سعیدی، محسن، ناتوی فرهنگی و لزوم توجه به آن، ۱۳۸۷/۲/۲۴،

www.bashgah.net)

این امر به حدی دارای اهمیت بود که ایشان در سال ۷۲ فرمودند: این مسأله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم می‌آروم و حقیقتاً، قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دوییش برای شما قابل توجه است. یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه‌عباسی انجام می‌گرفته و در دوران اسلامی قطع شد...

شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران از طریق فرهنگی، با نوشتن، با تهیه فیلم‌ها یا نمایشنامه‌ها یا تنظیم کتاب‌ها یا فصلنامه‌ها، این کار هم الان در کشور ما با هدایت بیگانه دارد انجام می‌گیرد.» ایشان البته راه کار این تهاجم گسترده را هم ارایه می‌دهند: باید جبهه فرهنگی به وجود بیاید، سنگرهای فرهنگی باید به وجود بیاید. همه باید کار کنند و امروز روز کار است، امروز روزی است که همه آن‌هایی که دارای استعدادند، می‌توانند در زمینه فرهنگی کار کنند. کار نکرده هم زیاد است که باید انجام گیرد.» (چیستی ناتوی فرهنگی و اهداف دشمنان، دیدار آشنا، ۱۳۸۵، شماره ۷۷)

مقام معظم رهبری، همچنین در همان ماه‌های آغازین دولت سازندگی، خطاب به مسئولین مربوطه فرمودند:

در حال حاضر، یک جبهه بندی عظیم فرهنگی که با سیاست، صنعت، پول و انواع پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده، تا با ما بجنجد. جنگ هم جنگ نظامی نیست، بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه ای است که تا به خود بیاییم گرفتار شده ایم. (مقام معظم رهبری، ۷ آذر ۱۳۶۸)

این هشدار، اولین واکنش مقام معظم رهبری به غفلت احتمالی مسئولین فرهنگی در آینده بود. بخش مهمی از همت رهبر معظم انقلاب در این مقطع هشت ساله، مصروف بیدارگری‌ها و توجه دادن عموم مردم، مسئولین فرهنگی و امنیتی به شکل گیری جبهه جدید دشمن، و تهاجم ناپیدای آنها در حوزه فرهنگ، اخلاق و دین؛ و تبیین ابزارها و اهداف این تهاجم؛ و بیان ماهیت تهاجم فرهنگی و تفاوت آن با تبادل فرهنگی و... شد. برخی از ابزارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی از منظر رهبر فرزانه عبارتند از: کار فرهنگی حق مدار و تقویت بنیان‌های عقیدتی و مذهبی جوانان و مردم و ترویج سنتهای اسلامی با ابزار کارآمد روز و...

مطالعه این هشدارها با توجه به سیر تاریخی آنها، می‌تواند خوانندگان محترم را کاملاً با فضای فرهنگی آن روز، و نیز مواضع رهبر معظم انقلاب و نگرانی‌های روز افزون ایشان، بیشتر آشنا سازد.

۱- عناصر فرهنگی جامعه - هر که هستند، هر چه هستند، چه وابستگان به دانشگاه ها، چه وابستگان به حوزه های علمیه و چه دیگران - باید بدانند که امروز دشمن بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. من به عنوان یک آدم فرهنگی این را عرض می کنم، نه به عنوان یک آدم سیاسی... الان یک کارزار فکری، فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه ی کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می آورد، کم هم نیستند قلم به مرزها و فرهنگی های دین، دل و وجدان باخته و نشسته پای بساط فساد استکبار - چه غالباً و اکثراً در خارج از کشور و تعداد کمی در داخل کشور - که برای مقاصد استکباری قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می کنند.

نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد. تفنگ او، قلم است، این را می گوییم، تا مسئولین فرهنگ، کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز - اعم از معلم، دانشجو، روحانی، طلبه و مدرسان، تا دانش آموزان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند - احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شماست و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.

مثل جنگ نظامی، چشم ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی، دیده بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین طور است. اگر ندانید که دشمن کار می کند یا از آن که می داند، فرمان نبرید، از فرمانده ی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند، مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است. (مقام معظم رهبری، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹)

۲- امروز به نظر من، از همه خطرناک تر در داخل، روش های فرهنگی است. از اساسی ترین مسایل ما، مسایل فرهنگی است و من احساس می کنم که در زمینه ی اداره ی فرهنگ اسلامی این جامعه داریم دچار یک نوع غفلت و بی هوشی می شویم - یا شده ایم - که بایستی خیلی سریع و هوشیارانه آن را علاج کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۴ آذر ۱۳۶۹)

۳- آن طور که من احساس کرده ام و از مجموع کارهایی که دارد می شود، فهمیده ام، این است که حمله ی همه جانبه ای سازماندهی شده است. آن کاری که می خواهند بکنند، این است که پشت جبهه ی انقلاب را کلاً در بازوهای خودشان بگیرند، پشت جبهه ی انقلاب مردمند، خط مقدم مسئولانند، بعد وابستگان شدید به مسئولین، بعداً هم خیل انبوه آحاد ملت، این ها فکر کردند که اگر ما بتوانیم کمندی دور این خیل انبوهی که پشت سر مسئولین بیندازیم و اینها را در اختیار بگیریم، همه چیز حل خواهد شد... این کار، کار بسیار خطرناکی است. البته خطرناکی که می گوییم، نه این که بی علاج یا صعب العلاج است، نه بسیار سهل العلاج است، به شرط این که بیمار و طیب احساس کنند که بیماری هست، اگر احساس کردند بیماری است، آن وقت دیگر صعب العلاج نیست، خیلی سهل العلاج است،

خطر آن جاست که من و شما نفهمیم که چنین چیزی وجود دارد و من دارم الان عرض می کنم ما فرهنگی هستیم، ما اهل تشخیص فرهنگی هستیم، انسانی که در یک فضای فرهنگی استشمام می کند، لازم نیست دست بزند یا ببیند تا چیزی را بفهمد، امروز برای من کاملاً محسوس است. این را هم روزنامه نگاران ما، هم رادیو، تلویزیون ما و هم دستگاه های تبلیغاتی ما - مثل وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، آموزش و پرورش و دیگران - بدانند، امروز مسئله این است. (مقام معظم رهبری، ۲۳ مرداد ۱۳۷۰)

۴- این که ما مکرر گفته ایم و می گوئیم که توطئه ی فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می کنم، متکی به استدلال است. شعار نمی دهم، من این را مشاهده می کنم. امروز دشمن با شیوه ی بسیار زیرکانه ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام عیار فرهنگی علیه ماست. این همان مقدمه ای است که می خواستم عرض بکنم. . . نسل جوان در حال تباه شدن تدریجی به وسیله ی دشمن است. ما نباید بگذاریم، ما باید نسل جوانی را حفظ کنیم که اگر جنگ بود دفاع کند، اگر حادثه یی در داخل بود حضور پیدا کند، آن جا که نوبت علم و تربیت علمی و تحقیقی است، درس بخواند و خودسازی کند، آن جایی که صحبت آینده است خود را آماده کند، روی این نسل جوان که مایه ی تکیه و امید است دارد به تدریج با شکل ها و شیوه های گوناگون، کار و تلاش می شود، این تلاش هم عمدتاً فرهنگی است. البته محافلی برای این که جوانان را ببرند و آلوده به فساد کنند، وجود دارد که جنبه ی غیر فرهنگی و جنبه ی عملی دارد. لیکن آنچه که بیش از همه خطرناک است ذهن، فکر و روحیه ی جوان است، این را باید دریافت. (مقام معظم رهبری، ۲۵ شهریور ۱۳۷۰)

۵- این مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (ع)، «من نام لم ینم عنه»، اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمن هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی، ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است. . . ما نبایستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه های جمعی ما، در کتاب هایی که می نویسند، در ترجمه هایی که می کنند، در شعرهایی که می سرایند، در برنامه های فرهنگی علی الظاهر بی ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد. . . امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته ایم. (مقام معظم رهبری، ۲۰ آذر ۱۳۷۰)

۶- تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است. یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان های مؤمن را از پایبندی های متعصبانه به ایمان، که همان

چیزهایی ست که یک تمدن را نگه می دارد، منصرف کنند، همان کاری را که در اندلس، در قرن های گذشته کردند. یعنی جوان ها را در عالم به فساد، شهوترانی، می گساری و این چیزها مشغول کردند، این کار حالا هم دارد انجام می گیرد. . . صدای فرو ریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواسته، آن وقتی در می آید که دیگر قابل علاج نیست، جوان جبهه رفته ما را اگر محاصره اش کردند، اگر اول یک ویدئو در اختیارش گذاشتند بعد او را به تماشای فیلم های جنسی وقیح وادار کردند، شهوت او را تحریک کردند و بعد او را به چند مجلس کشاندند، چه خواهد شد؟ وقتی تشکیلاتی وجود داشته باشد، جوان را در اوج نیروی جوانی فاسد می کنند و حالا دشمن دارد این کار را می کند. (مقام معظم رهبری، ۲۱ مرداد ۱۳۷۱)

۶- من یک وقت گفتم این ها دارند شبیخون فرهنگی می زنند. این راست است، و خدا می داند که راست است، بعضی نمی فهمند. یعنی صحنه را نمی بینند. کسی که صحنه را می بیند ملتفت است که دشمن دارد چه کار می کند و می فهمد که شبیخون است و چه شبیخونی هم هست. (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به : موسوی، سیدمحسن، بازخوانی پرونده تهاجم فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری، www.irdc.ir، ۱۳۸۶)

وضعیت موجود

سال ها پیش وقتی مقام معظم رهبری، همانگونه که عنوان شد برای اولین بار « تهاجم فرهنگی » را مطرح فرمودند، مقالات زیادی در این زمینه نوشته شد ولی راهکارهای ارائه شده تاثیرات نسبی در جامعه داشت. شاید علل اساسی این پدیده را بتوان در سه موضوع اصلی زیر دسته بندی نمود:

الف - با مقوله تهاجم فرهنگی، از دیدگاهی علمی و تخصصی نگریسته نشد. شاید اگر همه ی مجموعه های دانشگاهی و حوزوی با این موضوع برخوردی تخصصی تر می کردند و حتی رشته های تخصصی مرتبط با این نیاز تشخیص داده شده توسط ولی امر مسلمین را تاسیس می کردند، شاید امروز صدها و هزاران کارشناس خبره در این زمینه داشتیم و معظم له پس از چند سال در جمع نخبگان علمی کشور گلایه مند نمی شدند که چرا « نقشه جامع علمی کشور » یا « نقشه مهندسی فرهنگی کشور » تدوین نشده و یا مواظب « ناتوی فرهنگی » باشد.

ب- مطمئناً اگر دانشگاه ها و حوزه های علوم دینی با وحدت علمی، موضوع « مهندسی فرهنگی » را جدی می گرفتند، امروز هزاران نفر از نخبگان حوزه و دانشگاه، مهندس فرهنگی بودند و به صورت حرفه ای در جامعه مشغول این شغل مقدس می شدند. پس دومین اشکالی که در زمان حاضر مشاهده می گردد علاوه بر فقدان متخصصین امور مهندسی فرهنگی، کمبود تکنسین های فرهنگی در جامعه است که باید مشغول مربی گری و کار حرفه ای فرهنگی براساس نقشه و برنامه های فرهنگی ترسیم شده توسط استراتژیست های مهندسی فرهنگ در کشور باشند.

ج - سال هاست سازماندهی مناسب امور فرهنگی کشور، در شورای انقلاب فرهنگی کشور متجلی می شود. شاید به جرات بتوان گفت که علی رغم زحمات فراوانی که مدیران محترم شورا در زمینه ی

اعتلای سطح فرهنگ کشور کشیده اند، به دلیل ضعف مراکز علمی کشور و فقدان متخصصین و تکنسین های فرهنگی آموزش دیده، اقدامات انجام شده زیادی نداریم. (شهرام علمداری، مقدمه، ۱۳۸۶)

بنابراین وضعیت موجود در کشور را از نظر تهاجم فرهنگی می توان بدینگونه تشریح نمود:

۱- در برنامه چهارم توسعه بر محورهای توسعه فرهنگی تاکید شده ، که دولت باید به اعتلای معرفت و بصیرت دینی در سایه قرآن و اهل بیت، تقویت فضایل اخلاقی، تقویت روحیه ایثار و شهادت، تقویت وحدت ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی توجه کند.

۲- مقابله با تهاجم فرهنگی از حدود ۲۰ سال پیش که مقام معظم رهبری برای اولین بار در سخنان خود از آن یاد کردند، در قالب طرح ها و برنامه های خاصی انجام شد و فرصت های فرهنگی متناسب با این هجمه از سوی کارگزاران نظام تدوین گردید. اما برنامه هایی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، امروز و بعد از گذشت مدت زیادی از ابلاغ آن هنوز به مرحله اجراء نرسیده است. ما نتوانسته ایم موفق به انجام این کارهای فرهنگی شویم، ولی چون موضوعات فرهنگی موضوعاتی فرابخشی و بین بخشی هستند، هماهنگی همه جانبه را نیاز داریم .

۳- یک نهاد واحد تصمیم گیر و قدرتمند در زمینه مسائل فرهنگی مشاهده نمی شود.

۴- به نظر می رسد بودجه های فرهنگی به صورت بهینه صرف نمی شود .

۵- چهار خبرگزاری مسلط بین المللی ، شبکه های خبری غالب مانند بی.بی.سی و سی.ان.ان ، تاسیسات ماهواره ای که ارسال امواج صدها شبکه ماهواره ای را بر عهده دارند ، صدها روزنامه و هزاران پایگاه خبری و تبلیغاتی از جمله این تاسیسات هستند که همگی ارزش های مشترک غربی را منتشر و تلاش می کنند ارزش های مقاوم در برابر خود را درهم کوبند. این شرایط آن چنان نابرابر و غیرعادلانه است که نمی توان آن را بازار پیام اطلاق و چنین تصور کرد که تولیدکننده یا عرضه کننده کالایی در برابر تولید یا عرضه کالایی دیگر ، رقابتی سالم را دنبال می کند. این عرصه همانند عرصه نظامی و حتی علمی آنچنان نابرابر و یک طرفه است که هرگاه کشوری بخواهد با اتکا به توانمندی های بومی و منطبق با معاهدات بین المللی حتی در جهت تامین نیازهای خود گام بردارد به بهانه های مختلف می کوشند او را از عرصه رقابت خارج یا اساسا حذف کنند تا خود همچنان بر بازار مسلط باقی بمانند. مظاهر فرهنگ منحط غربی در قالب بازی های رایانه ای، فیلم های نامناسب ، لباس های نا شایست و ... به وفور در سطح جامعه عرضه می گردد.

۶- متأسفانه متولیان فرهنگی کشور آن حساسیت لازم را نسبت به دغدغه های فرهنگی مقام معظم رهبری درخصوص تهاجم فرهنگی نداشتند.

۷- حوزه ملی و جهان اسلام دو حوزه مهم برای برنامه ریزی دفاعی و تهاجمی در برابر حرکت سازمان یافته غرب است و رسانه مهمترین ابزار به اجرا درآوردن این برنامه محسوب می شود.

منابع

۱. دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۲. چیستی ناتوی فرهنگی و اهداف دشمنان، دیدار آشنا، ۱۳۸۵، شماره ۷۷
۳. سعیدی، محسن، ناتوی فرهنگی و لزوم توجه به آن، ۱۳۸۷/۲/۲۴.
۴. موسوی، سیدمحسن، بازخوانی پرونده تهاجم فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶.
۵. ناتوی فرهنگی، اهداف و ابعاد، خبرگزاری آینده ی روشن، ۱۳۸۶.

فصلنامه مدیریت فرهنگ مطهر

نقش سواد رسانه در سبک زندگی خانواده ها جهت آگاه سازی فرزندان از
تهدیدات نوظهور فضای مجازی